

موانع توسعه در ایران

کفتوگو با امیرسعید موسوی حجازی

به مسائل اقتصادی و توسعه نا آشنا و کم مطالعه‌اند و آن را امری ساده تلقی می‌کنند و در سطح تفکر سیاسی آنان نیست. آنها در این بحث‌ها کم حوصلگی نشان می‌دهند.

ب- باورهای علمی-اقتصادی کارشناسان، نادرست بوده و از شرایط اقتصادی پنجاه سال اخیر حاصل آمده. آنها به دنبال اصلاح اوضاع درون همین نظام اقتصادی هستند و به جای تغییر بنیادی، بالاترین کاری که توصیه می‌کنند به کارگیری راه‌حلهای کشورهای پیشرفته است. ج- مفاهیم و مشکلات موجود در اقتصاد صنعتی و با فناوری پیشرفته مانند بحران، دستمزد، تورم و... معنایی جز آنچه در اقتصاد دلالتی هویدای می‌شود دارد.

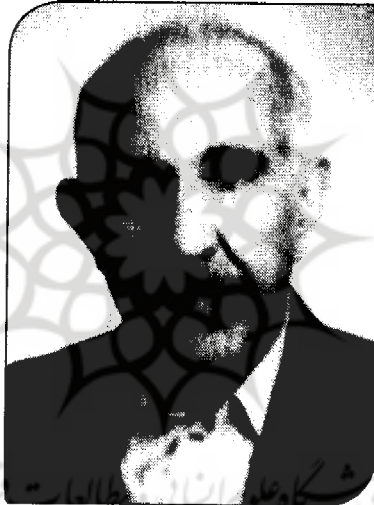
د- یکی از مشکلات باورهای مارکسیستی یا اقتباس شده از مارکسیسم در جامعه و مسئله اشتغال و عدالت است. (من این مورد را در مقاله باورهای غلط کارشناسان که خلاصه آن در روزنامه فتح و همچنین متن کاملتر آن در شماره ۹ فصلنامه انجمن مدیران فنی و اجرایی نشر یافته به گفت‌وگو کشیده‌ام و البته بعدها اصلاح مختصری در آن به عمل آورده‌ام که در سایت www.meisami.com آمده است.)

پیرامون موانع تاریخی و موانع کنونی توسعه در ایران توضیح دهید؟

اگر ما مسائل را به خوبی درک کنیم هیچ مشکل تاریخی نمی‌تواند مانع رشد و توسعه کنونی شود. تنها پیشنهاد و راه‌حل این است که وقت و فرصت را در این زمینه نباید هدر داد.

ممکن است نقش عواملی چون مذهب، شرایط جغرافیایی، استعمار، ثروت نفت و فرهنگ ایرانی را در توسعه ایران توضیح دهید؟

من نیازی به بحث درباره موانع تاریخی را نمی‌بینم. با همه سوابق، امروز هم می‌توانیم شروع کنیم که نمی‌کنیم. الف- سیاستمداران و سردمداران اجتماعی



من توسعه را در این می‌دانم که بیشترین تعداد مردم جامعه بتوانند از مزایای زندگی متوسط کنونی جهان برخوردار شوند. در این تعریف خود به خود سامان یافتگی نظام ارزشی و روابط اجتماعی مطلوب، امنیت عمومی و نظام سیاسی آزادمنش و مسائلی از این دست نهفته است

تعریف شما از توسعه چیست؟

من توسعه را در این می‌دانم که بیشترین تعداد مردم جامعه بتوانند از مزایای زندگی متوسط کنونی جهان برخوردار شوند. در این تعریف خود به خود سامان یافتگی نظام ارزشی و روابط اجتماعی مطلوب، امنیت عمومی و نظام سیاسی آزادمنش و مسائلی از این دست نهفته است. به باور من نشانه توسعه اقتصادی، رشد فناوری یا به عبارت دیگر توان تولید فناوری است. همان گونه که در کتاب در دست انتشار «راه‌های پیشرفت» نیز اشاره کرده‌ام، فناوری داشتن ماشین و کارخانه نیست، بلکه استعداد مشترک مردم جامعه در شناخت و سازمان دادن اشیاء به منظور بهترین بهره‌برداری از منابع و تأمین زندگی پربار است. این اشیاء مردم را هم شامل می‌شود، بنابراین فناوری به شعور و تفکر انسان وابسته و علم آفرین است.

شعور عمومی که فناوری را تولید می‌کند می‌تواند نظام ارزشی را هم سامان دهد. عناصر نظام ارزشی در باورها و اعتقادات جامعه وجود دارد. هم تولید فناوری و هم ساماندهی نظام ارزشی نیازمند نظام حکومتی آزادمنش هستند، البته اگر آزادمنشی حکومت فقط در امور اقتصادی باشد، سامان یافتگی نظام ارزشی دور از دسترس است. از آنجا که شعور عمومی متأثر از شرایط مادی زندگی است، حرکت به سوی صنعت و صنعتی شدن در تعالی شعور عمومی و تعالی جامعه شرط است. علم از فناوری و فناوری از صنعت و فعالیت صنعتی برمی‌خیزد. به بیان پیاژه تا فرد نتواند در چیزی تغییر به وجود آورد نمی‌تواند آن را بفهمد.

از نظر شما موانع توسعه در ایران را چه می‌دانید؟

□ از همه عوامل مطرح شده در این بند فقط نفت را به عنوان یک عامل برمی‌گزینم و دیگر عوامل در مقابل قدرت علم و فناوری سر فرود می‌آورند. باید به جای نگاه به گذشته به آینده بنگریم و کار را به روش صحیح شروع کنیم. ثروت نفت، از عوامل توسعه اقتصاد دلالی - که ضد توسعه جامعه و صنعت و نظام غالب اقتصادی ماست - می‌باشد و نظام اخلاقی ما را هم تحت تأثیر خود قرار داده و حتی در مسائل فنی و اقتصادی مانند دست‌مزدها، روش چانه‌زنی دلالی حاکم است.

■ چه راهکارهایی برای رفع یا تقلیل آن موانع ارائه می‌دهید؟

□ مذهب یک روز بهانه مقاومت در مقابل تغییر بود و امروز وسیله تقدس دادن به نظام

سیاسی و اقتصادی است. آزادمنش شدن نظام سیاسی و در پی آن نظام اقتصادی، نیاز به وجود مطبوعاتی دارد که عقاید مخالف خود را هم نشر دهند، در شرایط کنونی این شکل، هم در نظارت حکومت است و هم خود مطبوعات، زیر نظارت حکومت هستند و آنها نیز خودسانسوری می‌کنند. این امر در مناطق دیگر هم دیده می‌شود. پوپر با آنکه دانشمندی شناخته شده بود، مدت‌ها در انتظار ماند تا ناشری کتاب جامعه‌باز و دشمنانش را بپذیرد و چاپ کند.

مشکل در دانش نیمه‌کاره فرهیختگان ماست. ما غرب و جهان امروز و فناوری پیشرفته را نفهمیده‌ایم و بنابراین نمی‌توانیم راه‌حلی برای پیشرفت بیابیم. باید دروازه را به روی کالاها بست نه عقاید، چرا که ارزش‌های اجتماعی

از طریق کالا، به‌طور نابسامان وارد می‌شوند. به‌طور خلاصه باید به جای جامعه‌ارزادتی به تولید خودمتکی باشیم و جامعه‌صنعتی‌ای بسازیم. ماشین‌آلات کارهای عمرانی، موبایل و الکترونیک و... نمونه‌های آن هستند و موضوع فقط در کالاهای مصرفی خلاصه نمی‌شود.

■ از میان مکاتب اقتصادی و اجتماعی جهان کدام مکتب را به نظرات خود نزدیک‌تر می‌دانید؟

□ از مکاتب اجتماعی بی‌شک دموکراسی و جامعه آزادمنش از مکاتب اقتصادی، سرمایه‌داری حمایت شده (و نه نظارت شده که سرمایه‌داری فاشیستی است) مطلوب است. به این معنا که ما باید سال‌های سال دروازه‌های ورودی را به روی کالاها ببندیم.

یادی از یادآوران

درگذشت معلم اخلاق و قرآن دکتر علی گلزاده غفوری را به ملت ایران، شاگردان تربیت‌شده‌اش و یاران و خانواده ایشان تسلیت می‌گوییم.

زنده‌یاد گلزاده غفوری در دل بسیاری از جوانان این سرزمین نهال ایمان کاشت و امروز شاهد باروری آن هستیم. او در ساده‌زیستی مورد غبطه همگان بود. دورانی که در پاریس برای اخذ درجه دکترا تلاش می‌کرد اتاق محقری داشت که عرض آن به اندازه‌ای کم بود که به سختی می‌توانست نماز بخواند، ولی در همان کلبه درویشی خود با صفا و صمیمیت به گرمی پذیرای همه بود. او در سی‌سالگی مجتهد شد، ولی هیچ‌گاه نه عنوان اجتهادش را به رخ کشید و نه درجه دکتراش را.

مرحوم گلزاده غفوری در تدوین مقدمه قانون اساسی ثمره انقلاب و گنجاندن اصل کرامت انسانی نقش زیادی داشت. در فرهنگ غربی تفوق‌گرایی، حاکمیت خدا بر مردم و به بیانی استبداد تلقی می‌شود و دموکراسی حاکمیت مردم بر مردم، اما اصل ۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی بر این باور است که حاکمیت خدا و حاکمیت مردم در طول هم است.

در اصل ۵۶ آمده: حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ‌کس نمی‌تواند حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا عده‌ای خاص قرار دهد و...

همان‌طور که این اصل همواره زنده است یاد مرحوم گلزاده غفوری نیز در اذهان زنده خواهد ماند.

چشم‌انداز ایران

برای او که به حق دوست و میهن‌دوست بود*

دهم آذرماه ۱۳۸۸ حاج محمد میهن‌دوست، پدر شهید مهندس علی میهن‌دوست جان به جان‌افزین تسلیم کرد و به دیدار دوست شتافت؛ پدری که سی و هفت‌سال داغ تنها فرزندش را در سینه داشت و دمی از یاد و نام و راه او نیا سود.

او پدر مجاهدی بود که در عنفوان جوانی جان بر کف نهاد تا میهنش همیشه آزاد و آباد باشد. از فروردین ۱۳۵۱ که شهید علی میهن‌دوست به همراه سه یار دیگرش شهیدان ناصر صادق، علی باکری و محمد بازرگانی توسط رژیم پهلوی به جوخه اعدام سپرده شده تا آذر ۱۳۸۸ این پدر بود که نشان داد علی یک فرد نبود، یک راه و یک عقیده بود که قائم به فرد نبوده و نیست. علی میهن‌دوست ۲۶ ساله بود که رژیم پهلوی را در بیدادگاه به محاکمه کشید و سخنان او، دادگاه را به میدان مبارزهای تبدیل کرد و او را نماد اسوه و شجاعت، اخلاص و فداکاری برای جوانان این سرزمین ساخت...

هنگامی که در بهار ۱۳۸۳ کتاب دفاعیات شهید میهن‌دوست توسط نشرصمدیه منتشر شد، حاج محمد میهن‌دوست با شور و شوق فراوان و با لذت وصف‌ناپذیری چند جلد از کتاب‌ها را به دست می‌گرفت و به کتابفروشی زنده‌یاد حسن زرآفشان می‌آمد تا بخواهد آنها را برای فروش پشت ویترین بگذارد. او از جمله نیکمردانی بود که هیچ‌گاه به راه و آرمان فرزند پشت نکرد و تا زنده بود لحظه‌ای از یاد او غافل نشد.

هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق
ثبت است بر جریده عالم دوام ما

مگزیده‌ای از نوشته حسین میرزایا

چشم‌انداز ایران، وفات این پدر شهیدپرور را به همسر ایشان، امیرحسین تنها فرزند علی و ملت ایران تسلیت می‌گوید.

چشم‌انداز ایران

دی و پنجم ۱۳۸۸